**باسمه تعالی**

[تکمیل مستحب بیست و نهم 1](#_Toc33045356)

[مستحب سی و ششم: طلب حاجت در کنار قبر والدین 1](#_Toc33045357)

[مستحب سی و هفتم: محکم کردن بناء قبر 2](#_Toc33045358)

[مستحب سی و هشتم: دفن نمودن أقارب در کنار هم 2](#_Toc33045359)

[مستحب سی و نهم: حمد و استرجاع 2](#_Toc33045360)

[مستحب چهلم: نماز وحشت 3](#_Toc33045361)

[مسألة 1: تأخیر نماز وحشت به شب أوّل دفن 6](#_Toc33045362)

[مسأله 2: عدم فرق در استحباب تعزیت بین مرد و زن 6](#_Toc33045363)

**موضوع**: احکام اموات/مستحبّات دفن میّت/ مستحبّات - مسائل

بسم الله الرّحمن الرّحیم 22/12/1395 – یکشنبه – ج 102

## تکمیل مستحب بیست و نهم

کلمه­ی راجع به استحباب طعام درست کردن، و کراهت خوردن در نزد آنها؛ باقی مانده است. این روایات ناهیه، شامل آنهائی که از راه دور برای تسلّی دادن به أهل میّت، به منزل میّت آمده­اند؛ نمی­شود. به ذهن می­زند منظور آنهائی است که به قصد خوردن آمده­اند. یعنی در صورتی که أکل، مقصد باشد؛ مکروه است.

و همچنین غذا خوردن در منزل میّت که مرکز حزن است؛ مکروه است. و جائی که مردم را به مسجد یا رستوران دعوت می­کنند؛ خصوصاً اگر دعوت کننده از أقارب میّت باشد، نه از اهل بیّت میّت؛ این روایات شامل چنین موردی نمی­شود. در اینگونه موارد، هیچ کراهتی ندارد؛ بلکه از باب إطعام مؤمن، مطلوب است.

## مستحب سی و ششم: طلب حاجت در کنار قبر والدین

السادس و الثلاثون: طلب الحاجة عند قبر الوالدين.

«وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) زُورُوا مَوْتَاكُمْ فَإِنَّهُمْ يَفْرَحُونَ بِزِيَارَتِكُمْ- وَ لْيَطْلُبْ أَحَدُكُمْ حَاجَتَهُ عِنْدَ قَبْرِ أَبِيهِ- وَ عِنْدَ قَبْرِ أُمِّهِ بِمَا يَدْعُو لَهُمَا».[[1]](#footnote-1)

## مستحب سی و هفتم: محکم کردن بناء قبر

السابع و الثلاثون: إحكام بناء القبر.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَمَّا مَاتَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صلّی الله علیه و آله و سلّم)- رَأَى النَّبِيُّ (صلّی الله علیه و آله و سلّم) فِي قَبْرِهِ خَلَلًا فَسَوَّاهُ بِيَدِهِ- ثُمَّ قَالَ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيُتْقِنْ- ثُمَّ قَالَ الْحَقْ بِسَلَفِكَ الصَّالِحِ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ».[[2]](#footnote-2)

## مستحب سی و هشتم: دفن نمودن أقارب در کنار هم

الثامن و الثلاثون: دفن الأقارب متقاربين.

مستحب است که أقارب را نزدیک هم دفن بکنند. هم مساعد اعتبار است. و هم روایت دارد. «الشَّهِيدُ فِي الذِّكْرَى، وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُوضَعَ عِنْدَ رَأْسِهِ حَجَرٌ أَوْ خَشَبَةٌ عَلَامَةٌ لِيُزَارَ وَ يُتَرَحَّمَ عَلَيْهِ كَمَا فَعَلَ النَّبِيُّ (صلّی الله علیه و آله و سلّم) حَيْثُ أَمَرَ رَجُلًا يَحْمِلُ صَخْرَةً لِيُعْلِمَ بِهَا قَبْرَ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ فَعَجَزَ الرَّجُلُ فَحَسَرَ رَسُولُ اللَّهِ (صلّی الله علیه و آله و سلّم) عَنْ ذِرَاعَيْهِ فَوَضَعَهَا عِنْدَ رَأْسِهِ وَ قَالَ أُعْلِمُ بِهَا قَبْرَ أَخِي وَ أَدْفِنُ إِلَيْهِ مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِهِ‌».[[3]](#footnote-3)

## مستحب سی و نهم: حمد و استرجاع

التاسع و الثلاثون: التحميد و الاسترجاع و سؤال الخلف عند موت الولد.

روایات زیادی در باب 73، کتاب وسائل الشیعه و باب 61 کتاب مستدرک، وجود دارد؛ که استحباب این مورد از آنها استفاده می­شود.[[4]](#footnote-4)

## مستحب چهلم: نماز وحشت

الأربعون: صلاة الهدية ليلة الدفن و هي على رواية ركعتان يقرأ في الأولى الحمد و آية الكرسي و في الثانية الحمد و القدر عشر مرات و يقول بعد الصلاة اللهم صل على محمد و آل محمد و ابعث ثوابها إلى قبر فلان و في رواية أخرى في الركعة الأولى الحمد و قل هو الله أحد مرتين‌ و في الثانية الحمد و التكاثر عشر مرات و إن أتى بالكيفيتين كان أولى و تكفي صلاة واحدة من شخص واحد و إتيان أربعين أولى لكن لا بقصد الورود و الخصوصية كما أنه يجوز التعدد من شخص واحد بقصد إهداء الثواب و الأحوط قراءة آية الكرسي إلى هم فيها خالدون و الظاهر أن وقته تمام الليل و إن كان الأولى أوله بعد العشاء و لو أتى بغير الكيفية المذكورة سهوا أعاده و لو كان بترك آية من إنا أنزلناه أو آية من آية الكرسي و لو نسي من أخذ الأجرة عليها فتركها أو ترك شيئا منها وجب عليه ردها إلى صاحبها و إن لم يعرفه تصدق بها عن صاحبها- و إن علم برضاه أتى بالصلاة في وقت آخر و أهدى ثوابها إلى الميت لا بقصد الورود‌.[[5]](#footnote-5)

در مورد نماز لیلة الدفن، سه روایت وجود دارد. یک روایت این است که در رکعت أوّل، حمد و آیة الکرسی بخواند؛ و در رکعت دوم، حمد و ده مرتبه سوره قدر را بخواند؛ و بعد از تمام شدن نماز، بگوید «اللهم صل على محمد و آل محمد و ابعث ثوابها إلى قبر فلان».

روایت دیگر این است که در رکعت أوّل، حمد و دو مرتبه سوره قل هو الله بخواند؛ و در رکعت دوم، حمد و ده مرتبه سوره تکاثر را بخواند. و اگر هر دو را بخواند، بهتر است؛ چون صلات، خیر موضوع است. یا اینکه با این کار، احتمال اینکه صلات واقعی را آورده­اید، بیشتر است.

ظاهراً این روایات را مرحوم سیّد از مرحوم کفعمی در مصباح آورده است. مرحوم کفعمی از علماء جبل العامل بوده است؛ و مرحوم شیح حرّ عاملی و مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب شرح حال علماء (جلد سوم کتاب الکُنی و الألقاب)؛ در حقّش گفته­اند که ایشان ثقه، أدیب و شاعر است. کفعمی خیلی ملّای قویّی نبوده است؛ و در حقش تعبیر «فاضل» گفته شده است؛ قوّتش در شعر و أدب و سخن­پردازی بوده است.

همین دو روایتی که مرحوم سیّد آورده است؛ در مصباح آمده است. و در تعلیقه مصباح، یک جور دیگر هم آمده، که مرحوم سیّد آن را نیاورده است.

این دو نحوی که الآن هست؛ به ابن فهد حلّی در الموجز الحاوی نسبت می­دهد؛ که ایشان در رتبه مشایخ کفعمی است؛ و قبل از او، این نماز پیدا نشده است.

مرحوم صاحب حدائق،[[6]](#footnote-6) تند شده و گفته این نماز از کتب اهل سنّت آمده است؛ و در کتب ما نیست. ولی معلِّق کتاب حدائق، نوشته که در کتب اهل سنّت هم نبوده است.[[7]](#footnote-7) روایتی که تا قرن نهم و هشتم، در کتب سابقین نامی از آن نیامده است. باید این جور توجیه کنیم که ممکن است کتبی بوده که به دست سابقین نرسیده است؛ و به دست بعدی­ها رسیده است. بعید است که خودش یک صلاتی را به این شکل، إبداء بکند. لعلّ در بعض کتب و اصولی که از روات سابق به جا مانده است؛ به دستش رسیده است؛ و این روایات را نقل کرده است. اینکه به تندی صاحب حدائق بگوئیم در کتب شیعه نبوده است؛ و از اهل سنّت است؛ قبولش سخت است.

اینکه الآن، سیره بر خواندن این نماز هست، کشف نمی­کند که در زمان أئمّه (علیهم السلام) هم نماز لیلة الدفن می­خواندند. اگر اطمینان به خلافش نداشته باشیم؛ نمی­توان اطمینان به امتداد این سیره تا زمان أئمه (علیه السلام) پیدا کرد. اگر نگوئیم اطمینان بر خلافش داریم. این همه آداب و مستحبّات و دعاها برای میّت آمده است؛ و در هیچ کدامش نبود که همان شب اوّل، دو رکعت نماز بخوانید. ولی باز هم یقین نداریم؛ لعلّ چنین نمازی بوده و بعضی انجام می­داند؛ ولی خیلی شایع نبوده است؛ لذا در کتب، ذکر نشده است.

در هر حال، مرحوم خوئی در بحث نمازهای مستحبی، از این نماز بحث کرده است.

حاصل الکلام این نماز قبل از صاحب عدّة الداعی (ابن بفهد حلّی) نبوده است؛ لذا موهم حقانیّتش هست. ولی باز هم احتمال هست که راویّی، این روایت را از امامی گرفته و در اصلش ثبت کرده است؛ و به ابن فهد حلّی رسیده است؛ و بعد به کفعمی رسیده است.

پس مشکلی ندارد که این نماز را رجاءً بخوانند. چون رجاءً، مشکلی ندارد؛ و احتمال منفعت میّت هم هست. استیجارش هم عیبی ندارد. چون عمل محترم و لو فایده احتمالی داشته باشد، اجاره­اش مانعی ندارد. اگر به عنوان خاص، استحباب نداشته باشد؛ به عنوان عام، استحباب دارد. علی القاعده، خواندن این نماز، مانعی ندارد؛ ولی به نحو خاص (به قصد ورود) مشکل است. دعا لسان است و کیفیّت است؛ و چون اصل دعا مطلوب است؛ کفایت می­کند که به چه کیفیتی بیاوریم.

بعد مرحوم سیّد فرموده است «و تكفي صلاة واحدة من شخص واحد». چون صرف الوجود را از ما خواسته است. ولی اگر چهل نفر آن را بخوانند، بهتر است. «و إتيان أربعين أولى لكن لا بقصد الورود و الخصوصية». چون مظنّه استجابت دعا است. چهل، یک خوصیّتی دارد. در باب شهادت و دعا، چهل استحباب داشت. أولویّت، نیازی به آیه و روایت ندارد. و استحسان و مناسبت حکم و موضوع برای آن کافی است.

لکن به قصد ورود و خصوصیّت نباشد؛ مثل اینکه مرحوم سیّد در اصل نماز وحشت، گیری ندارد؛ ولی در چهل تا گیر دارد. چهل را از روایت نمی­تواند استفاده بکند.

در ادامه فرموده کما اینکه جایز است، یک شخص، چند نماز وحشت بخواند و ثواب آن را هدیه بکند. «كما أنه يجوز التعدد من شخص واحد بقصد إهداء الثواب».

مرحوم سیّد فرموده احتیاط این است که آیة الکرسی را تا آخر «هم فیها خالدون» بخواند. «و الأحوط قراءة آية الكرسي إلى هم فيها خالدون». ظاهر آیة الکرسی، تا «و هو العلی العظیم» است؛ منتهی اینکه مرحوم سیّد می­گوید تا اینجا بخوانند، بخاطر بعض روایاتی است که در آنها فرموده حضرت امام سجاد (علیه السلام) تا آخر خواندند.

مرحوم سیّد فرموده ظاهر این است که وقت نماز وحشت، همه شب أوّل دفن است؛ چون در روایات تعبیر «لیلة الدفن»، را بکار برده است؛ که اطلاق دارد. گرچه أولی این است که بعد از نماز عشاء آن را بخوانند؛ از باب اینکه خیر است، و تسریع در خیر، بهتر است. «و الظاهر أن وقته تمام الليل و إن كان الأولى أوله بعد العشاء».

و اگر کسی نماز وحشت را به غیر از این کیفیّتی که گفته شد، بخواند؛ گرچه سهوی هم باشد؛ باید آن را إعاده کند. زیرا حدیث لا تعاد، نماز خاص را درست نمی­کند؛ نماز بدون آیه الکرسی، هم صحیح است؛ منتهی اگر خواسته باشید نماز خاص را بخوانید، باید با این خصوصیّات باشد.

یک مسأله دیگری که محل إبتلاء است، مسأله فراموشی است. اگر کسی أجیر شده است که نماز وحشت بخواند؛ ولی آن را فراموش بکند؛ باید این پول را به صاحبش برگرداند؛ چون موضوع منتفی شده است؛ و اجاره باطل است. معمولاً وقتی به کسی پول می­دهند تا نماز بخواند، به صورت إذن در تصرّف است به شرط خواندن نماز؛ یا تملیک مشروط است؛ و چون آن شرط را انجام نداده است؛ در صورتی که مالک را می­شاسد، باید مال مردم را به صاحبش برگرداند. و اگر صاحبش را نمی­شناسد، از طرف صاحبش صدقه بدهد.

گاهی هم این جور است که شخصی پولی را می­دهد که نماز بخوانند؛ و شخصی که پول گرفته، یادش می­رود که نماز بخواند؛ ولی یقین دارد که شخص پول دهنده، رضایت به تصرّف دارد؛ که مرحوم سیّد این را نیاورده است. یا اینکه یقین به رضایت دارد به شرط اینکه یک نماز دیگری بخواند؛ از باب تعدّد مطلوب. این دائر مدار علم و اطمینان شماست که آیا راضی است مطلقا؛ یا با نماز راضی است؛ یا راضی نیست؛ یا شک در رضایت دارید. باید رضایت را إحراز بکنید.

مرحوم سیّد فرموده بلکه اگر علم به رضایت شخص پول دهنده، بدون صلات هم دارد، تصرّف جایز است.

### مسألة 1: تأخیر نماز وحشت به شب أوّل دفن

مسأله 1: إذا نقل الميت إلى مكان آخر كالعتبات‌ أو أخر الدفن إلى مدة فصلاة ليلة الدفن تؤخر إلى ليلة الدفن‌.

اگر به یک علّتی، دفن به تأخیر افتاد؛ نماز لیلة الدفن، به همان شب دفن، به تأخیر انداخته می­شود. روایات شامل قبل از دفن نمی­شود. روایت صلاة الهدیّه، تعبیر «لیلة الدفن» آمده است. در ادامه روایت هم فرموده «و ابعث ثوابها إلی قبر فلان». البته رجاءً عیبی ندارد که قبل از آن خوانده شود. «إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَلِيٍّ الْكَفْعَمِيُّ فِي الْمِصْبَاحِ قَالَ: صَلَاةُ الْهَدِيَّةِ لَيْلَةَ الدَّفْنِ رَكْعَتَانِ- فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ- وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ الْقَدْرَ عَشْراً- فَإِذَا سَلَّمَ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ- وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ».[[8]](#footnote-8)

بعض معلِّقین گفته­اند روایت دوم، لیلة الدفن ندارد.

و لکن ما که به مصباح کفعمی[[9]](#footnote-9) نگاه کردیم، از آن فهمیده می­شود که صدر و ذیل این دو روایت یکی است؛ و فقط مورد اختلاف را بیان کرده است. پس در أوّل این روایت هم تعبیر «لیلة الدفن» وجود دارد. و در آخرش «و ابعث ثوابها إلی قبر فلان» وجود دارد. این روایت هم اطلاق ندارد؛ و غیر لیلة الدفن را شامل نمی­شود.

### مسأله 2: عدم فرق در استحباب تعزیت بین مرد و زن

مسألة 2: لا فرق في استحباب التعزية لأهل المصيبة بين الرجال و النساء‌ حتى الشابات منهن متحرزا عما تكون به الفتنة و لا بأس بتعزية أهل الذمة مع الاحتراز عن الدعاء لهم بالأجر إلا مع مصلحة تقتضي ذلك‌.

در استحباب تعزیه، فرقی بین مرد و زن وجود ندارد. همانطور که الآن مردم می­گویند به دختران جوان تسلیت و تعزیت نگوئید؛ در زمانهای قدیم هم همین جور بوده است. در همه چیزها، اصل عدم نقل است؛ اگر آدم­های امروزی، یک جور فکر می­کنند؛ در قبل هم همین جور بوده است. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (علیه السلام) إِنَّ امْرَأَتِي وَ امْرَأَةَ ابْنِ مَارِدٍ تَخْرُجَانِ فِي الْمَأْتَمِ فَأَنْهَاهُمَا فَتَقُولُ لِيَ امْرَأَتِي- إِنْ كَانَ حَرَاماً فَانْهَنَا عَنْهُ حَتَّى نَتْرُكَهُ- وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَرَاماً فَلِأَيِّ شَيْ‌ءٍ تَمْنَعُنَاهُ- فَإِذَا مَاتَ لَنَا مَيِّتٌ لَمْ يَجِئْنَا أَحَدٌ- قَالَ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ (علیه السلام) عَنِ الْحُقُوقِ تَسْأَلُنِي- كَانَ أَبِي (علیه السلام) يَبْعَثُ أُمِّي وَ أُمَّ فَرْوَةَ- تَقْضِيَانِ حُقُوقَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ».[[10]](#footnote-10)

البته سنّ اینها بزرگ بوده است؛ (مادر و مادر بزرگ حضرت هستند)؛ ولی جهت، جهت ادای حقّ بوده است؛ و فرقی بین پیر و جوان نیست. منتهی در ادامه دارد که دنبال جنازه راه نروند، چون کراهت دارد.

در اینکه انسان تعزیه به اهل مصیبت بدهد؛ در معزِّی فرقی بین مردو زن وجود ندارد.

تعزیه دادن اهل ذمه جایز است. منتهی به این مقدار که ما در غم شما شریک هستیم؛ ولی دعا برای کافر مجاز نیست. إلّا در صورت وجود مصلحت.

1. - وسائل الشيعة؛ ج‌3، ص: 223، باب 54، أبواب الدفن، ح 5. [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشيعة؛ ج‌3، ص: 229، باب 60، أبواب الدفن، ح 1. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج‌2، ص: 344، باب 35، أبواب الدفن، ح 2. [↑](#footnote-ref-3)
4. - وسائل الشيعة؛ ج‌3، صص: 249 – 246 . مستدرك الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج‌2، صص: 406 – 402. (بَابُ اسْتِحْبَابِ التَّحْمِيدِ وَ الِاسْتِرْجَاعِ وَ سُؤَالِ الْخَلَفِ عِنْدَ مَوْتِ الْوَلَدِ وَ سَائِرِ الْمَصَائِبِ‌). [↑](#footnote-ref-4)
5. - العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج‌1، صص: 445‌ - 444. [↑](#footnote-ref-5)
6. - الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة؛ ج‌10، ص: 547 (و الذي يقرب عندي ان أخبار هذه الصلاة انما هي من روايات العامة و اليه يشير كلام بعض مشايخنا المعاصرين حيث قال: و هذه الصلاة و ان لم يظهر كونها مروية من طريق أهل البيت (عليهم السلام) لكن يعضدها ما ورد من الأخبار الدالة على انتفاع الميت من الأعمال الصالحة بفعل غيره و على التأكيد في ذلك، و هي متفرقة في أبواب الوقوف و الصدقات و الصلاة و الحج و الصوم و الجنائز). [↑](#footnote-ref-6)
7. - الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة؛ ج‌10، ص: 547 (لم نقف عليها في كتبهم بعد الفحص حتى ان ابن قدامة في المغني ج 2 ص 567 ذكر ما ينتفع به الميت من دعاء و استغفار و غير ذلك و لم يذكر هذه الصلاة). [↑](#footnote-ref-7)
8. - وسائل الشيعة؛ ج‌8، ص: 168، أبواب بقیّة الصلوات المندوبة، ح 2. [↑](#footnote-ref-8)
9. - المصباح (للكفعمي)؛ ص: 411 «صَلَاةُ هَدِيَّةِ الْمَيِّتِ لَيْلَةَ الدَّفْنِ‌ رَكْعَتَانِ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ فِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ الْقَدْرَ عَشْراً فَإِذَا سَلَّمَ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بَعْدَ الْحَمْدِ التَّوْحِيدَ مَرَّتَيْنِ فِي الْأُولَى وَ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ الْحَمْدِ التَّكَاثُرَ عَشْراً ثُمَّ الدُّعَاءَ الْمَذْكُورَ». [↑](#footnote-ref-9)
10. - وسائل الشيعة؛ ج‌3، ص: 239، باب 69، أبواب الدفن، ح 1. [↑](#footnote-ref-10)